



# مسافر

● مریم زرنشان

حرف می زدم  
با گل و چمن  
قاصدک نشست  
روی دست من

بی صدا پرید  
نرم مثل پر  
گفت با نسیم  
می روم سفر



# روی شانه‌ی بابا

● منیره هاشمی

از تمام آدم‌ها  
قدبلندتر هستم  
آسمان چه نزدیک است  
می‌رسد به آن دستم

حسّ جالبی دارد  
زندگی در این بالا  
به! چه جای خوبی است  
روی شانه‌ی بابا



# پرده‌ی پرستاره

● صبا فیروزی

رو پرده‌ی اتاقم  
نقش هزار ستاره است  
دلم برایش می‌سوزه  
گوشه‌ی پرده پاره است

اما بازم قشنگه  
خیلی دوستش دارم من  
ستاره‌هاش دو رنگه  
بنفش و زرد روشن



● تصویرگر: مرضیه قوام‌زاده

# داداش من

● علی باباجانی

نام من معصومه است  
حضرت معصومه جان  
تو به داداشم بگو  
تا که باشد مهربان

وای از این داداش من  
باز دعوا کرده است  
او سر من داد زد  
قلب مامان را شکست

